

چرا در آستانه مرگ همه زندگی از پیش چشمانمان می‌گذرد؟

کسانی که تا پای مرگ رفته‌اند و جان به در برده‌اند، اغلب از تجربه‌هایی خارق‌العاده یاد می‌کنند؛ دیدن نوری در انتهای یک تونل، احساس بیرون آمدن از کالبد خود، مواجه شدن با عزیزان ازدست‌رفته یا گذر سریع رویدادهای مهم زندگی از پیش چشمانشان.

به گزارش سایت خبری پرسون، امواج گاما در برخی افراد در آستانه مرگ دستخوش جهش می‌شود. این واقعیت که چنین داستان‌هایی عناصر مشترک زیادی دارند و برای افراد دارای پیشینه‌های فرهنگی مختلف رخ می‌دهند، به امکان سرچشمه گرفتنشان از سازوکاری زیست‌شناختی اشاره دارند که محققان هنوز نتوانسته‌اند رمزوراز آن را کشف کنند.

این واقعیت که چنین داستان‌هایی عناصر مشترک زیادی دارند و برای افراد دارای پیشینه‌های فرهنگی مختلف رخ می‌دهند، به امکان سرچشمه گرفتنشان از سازوکاری زیست‌شناختی اشاره دارند که محققان هنوز نتوانسته‌اند رمزوراز آن را کشف کنند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، طبق یافته‌های محققان دانشگاه میشیگان در مقاله جدیدی که روز دوشنبه در مجله مقالات فرهنگستان ملی علوم ایالات متحده آمریکا (پی‌ان‌ای‌اس) منتشر شد، فعالیت‌های شناختی مغز در دو بیمار مختصر دستخوش جهش‌هایی شده است.

جیمو بورجیچین، نویسنده اصلی این مقاله که بررسی مبنای عصب‌شناختی فعالیت‌های شناختی در آزمایشگاه تحت سرپرستی او انجام گرفت، به خبرگزاری فرانسه گفت این نخستین مطالعه از این نوع نیست اما آنچه این تحقیق جدید را متمایز می‌کند، پرداختن «بی‌سابقه» آن به جزئیات است.

این گروه تحقیقاتی سوابق چهار بیمار درگذشته بر اثر ایست قلبی حین گرفتن نوار مغزی را بررسی کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، تمامی این چهار نفر در کما بودند و بعد از آنکه مشخص شد کمک‌های پزشکی برایشان کارساز نیست، عملیات پشتیبانی حیاتی از آن‌ها را قطع کردند. در دو بیمار از این چهار بیمار، یکی زنی ۲۴ ساله و دیگری زنی ۷۷ ساله، وقتی دستگاه تنفس مصنوعی را قطع کردند، ضربان قلب افزایش یافت و امواج مغزی دارای بسامد گاما—سریع‌ترین این گونه فعالیت‌های مغزی مرتبط با شناخت—دستخوش جهش‌هایی شد.

همچنین طبق یافته‌های مطالعات قبلی و از جمله مقاله معروفی درباره مردی ۸۷ ساله که بر اثر سقوط جان‌باخته بود و سال ۲۰۲۲ منتشر شد، امواج گاما در برخی افراد در آستانه مرگ دستخوش جهش‌هایی می‌شود.

در مقاله دانشگاه میشیگان، بخش‌هایی از مغز را که فعال می‌شوند، عمیق‌تر بررسی و فعالیت «منطقه فعال قشر خلفی» متشکل از لوب‌های گیجگاهی، جداری و پس‌سری مرتبط با تغییرات شناختی را شناسایی کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، بورجیچین گفت: «فعال شدن این بخش مغز به معنای آن است که بیمار دارد چیزی را می‌بیند، می‌تواند چیزی را بشنود و احساساتی خارج از بدن را حس کند.» او افزود که این منطقه «به‌شدت فعال شد».

به گفته او، چون فعالیت مغز و قلب این بیماران در چند ساعت آخر حیاتشان لحظه‌به‌لحظه پایش می‌شد، قدرت این تحلیل افزایش یافت.

مشخص نیست چرا دو بیمار این نشانه‌های بالقوه «فعالیت شناختی نهفته» را بروز دادند و دو بیمار بروز ندادند؛ اما بورجیچین حدس می‌زند سابقه سکتة آن‌ها ممکن است به نوعی مغزشان را مستعد کرده باشد.

با توجه به کوچک بودن حجم نمونه این مطالعه، نویسندگان آن هشدار دادند نباید از آن یک نتیجه‌گیری کلی کرد؛ به علاوه چون بیماران زنده نماندند که داستان‌شان را روایت کنند، نمی‌توان تایید کرد که آیا به‌راستی با تصوراتی مواجه شده‌اند یا خیر.

بورجیچین امیدوار است بتوان در آینده با جمع‌آوری داده‌ها از صدها نفر دیگر، امکان زنده ماندن برخی را افزایش داد.

یک راه این کار می‌تواند ابداع آزمایشی باشد که تجربه افراد در آستانه مرگ را شبیه‌سازی کند و همزمان آن را در شرایط آزمایشگاه تحت نظر قرار دهد.

منبع: ایندپندنت فارسی